



مشکل را حل کنم. همان سال اول مدیریت، موضوعی که به ذهنم رسید این بود که برای مؤسسه یک جوهره اقتصادی تعریف کنم که تولید فرهنگی داشته باشد، نه اینکه به دلیل تولید فرهنگی، رانت اقتصادی از دولت بگیرد. ما از دولت کاملاً منفک شدیم و بعد از مدتی شناخت من از مجموعه بیشتر شد و متوجه شدم آگهی‌های روزنامه ایران در اختیار پیمانکاری به نام «جهان رسانه» است که مدیریت آن در اختیار دکتر میرزایی بود. این مجموعه ماهیانه مبلغی پول به مؤسسه پرداخت می‌کرد و همین پول هم بلافاصله خرج می‌شد. از ایشان دعوت کردم که به مؤسسه بیایند. مرحوم دکتر میرزایی انسان بسیار شریف و یکی از اساتید بنام روزنامه‌نگاری بودند و من بسیار از ایشان آموختم. به ایشان گفتم باید مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان به مؤسسه بپردازید، در غیر این صورت قرارداد پیمانکاری شما را تمدید نمی‌کنم، ضمناً این پول باید جلوتر پرداخت شود. اجازه خواستند تا مشورت کنند، اما بعد از مدتی اعلام کردند امکان واریز چنین مبلغی نیست. من هم گفتم پس در این صورت خود مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران آگهی‌های روزنامه را تأمین می‌کند. باز هم مهلت خواستند و بعد از مدتی پذیرفتند ماهیانه ۴۰۰ میلیون تومان به مؤسسه بپردازند و طی دو هفته این مبلغ به حساب مؤسسه واریز شد. بعد از واریز پول به دنبال پاسخ این سؤال بودم که حالا چه کار کنیم اینجا مؤسسه‌ای باشد که محصول فرهنگی تولید کند اما سازوکار آن اقتصادی باشد. در ادامه فعالیت‌های اقتصادی، برای بالا بردن اعتلای مؤسسه این بار سراغ چاپ افست رفتیم. مؤسسه هر سال با افست برای چاپ روزنامه قرارداد می‌بست و رقم این قرارداد چیزی حدود ۸ میلیارد تومان بود. هر سال نیز طبق آمار بانک مرکزی و براساس تورم، پول چاپ نیز اضافه می‌شد. از معاون فنی و مالی خواستم در قرارداد جدید، من هم حضور داشته باشم. بالاخره در سررسید قرارداد همراه آنها به چاپخانه رفتیم و در مذاکره به آنها گفتم به چه دلیل وقتی ما قیمت روزنامه را افزایش نمی‌دهیم باید هر سال ۲۰ درصد اضافه به شما بپردازیم. ما زیر بار این ۲۰ درصد نمی‌رویم. همچنین، آنها ۱۴ درصد از کاغذ چاپ را آواریه می‌کردند. گفتم شما بهترین چاپخانه ایران هستید و ۱۴ درصد آواریه یعنی چی؟ به هر حال بعد از چانه‌زنی‌های زیاد، ۱۴ درصد را به ۶ درصد رساندیم. انتهای همان سال از مدیر مالی خواستم تا برآورد کند ما چقدر سود کرده‌ایم. با گزارشی که ایشان دادند مشخص شد ما یک میلیارد و نیم صرفه جویی کرده‌ایم. بلافاصله یک مصوبه به هیأت امنای مؤسسه که اعضای آن آقایان مسجد جامعی، علی خاتمی و محمد علی ابطحی بودند بردم و گفتم می‌خواهم با یک میلیارد تومان از مبلغ صرفه جویی شده برای کارکنان مؤسسه صندوق تأسیس کنم. با موافقت آنها صندوق تأسیس شد و برای این یک میلیارد سازوکاری تعریف کردیم تا کسانی که بازنشسته می‌شوند علاوه بر دریافت سنوات مبلغی نیز به عنوان پاداش دریافت کنند. واریزی این صندوق بخشی از حقوق کارکنان و بخشی هم مبلغی بود که مؤسسه می‌داد. اینکه همکاران سابق من در مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران هنوز هم از روزهایی که مدیریت مؤسسه برعهده من بود به نیکی یاد می‌کنند، افتخار می‌کنم.»

میز گذاشت. باور کنید من هیچ نسخه‌ای از حکم مدیریت ام در مؤسسه ندارم و هیچ وقت آن حکم به من برگردانده نشد. آقای وردی‌نژاد انسان بسیار شریف و چهره آشنا در عرصه رسانه هستند و بعد از مطالعه حکم گفتند ترتیبی می‌دهم شما وارد مؤسسه شوید. بعد از آن روز روی سوابق من مانور داده شد. برخی می‌گفتند ایشان سابقه مطبوعاتی ندارد و به خصوص در تحریریه روزنامه ایران، یک عده‌ای این ساز را کوک می‌کردند. ابتدا به عنوان عضو هیأت مدیره منصوب شدم و با آن حکم به مؤسسه آمدم و بین همکاران روزنامه حضور داشتم. با وجود اینکه مؤسسه مدیرعامل و مدیرمسئول داشت اما من به عنوان عضو هیأت مدیره هر روز در مؤسسه بودم و بر صفحات نیز نظارت می‌کردم. سرانجام بعد از مدتی حکم مدیرمسئولی من زده شد و بعد از آن نیز مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران شدم. بعد از دو ماه آقای خاتمی رئیس جمهوری مرا خواستند و وقتی از وضعیت مؤسسه مطلع شدند و در جریان مشکلات مالی مؤسسه و وضعیت نامطلوب آگهی‌ها قرار گرفتند، گفتند دو خواسته از شما دارم: اول اینکه تا قبل از این روزنامه ایران از دولت پول می‌گرفت ولی از این به بعد اجازه نمی‌دهیم ربالی به شما پرداخت شود، دوم اینکه اگر تخلفی اتفاق افتاد و مطلبی چاپ شد که پیگرد قضایی داشت، خود شما باید به دادگاه بروید و تاوان بدهید. من هم قبول کردم و گفتم به خدا توکل می‌کنم.»

◀ محصول فرهنگی با سازوکار اقتصادی

وصال از روزهای اول مدیریت در مؤسسه و برنامه‌ریزی برای حل مشکلات مالی و ایده‌های اقتصادی که باعث رشد مؤسسه و روزنامه ایران شد، این گونه گفت: «اولین روزی که به عنوان مدیرعامل پشت میز نشستم، مدیر مالی مؤسسه با چک یک میلیون تومانی آمد و گفت به دلیل اینکه پول در حساب نداریم، این چک برگشت می‌خورد. خیلی ناراحت شدم و گفتم مرا با این چیزها سرگرم نکنید و هرطور شده این مبلغ را فراهم می‌کنیم. زیرا اگر مؤسسه قرار بود تأثیرگذار باشد، نباید محتاج یک میلیون تومان بشود. از همان روز اول برنامه من این بود که این

◀ نگاه مثبت رهبر انقلاب به روزنامه ایران

یکی از مهم‌ترین اتفاق‌هایی که وصال از آن یاد می‌کند، نگاه مثبت رهبر انقلاب به روزنامه ایران و دستور ایشان رفع توقیف این روزنامه است. او با اشاره به رویدادهای آن سال‌ها گفت: «هر سه ماه یک بار نزد آقای خاتمی می‌رفتم و گزارش کار می‌دادم. یکی از روزها دعوت کردند که به کاخ سعدآباد بروم. بعد از آن دیدار، گفتند تو چه کار کردی؟ با تعجب پرسیدم مگر اتفاقی افتاده که می‌خواهید مرا محاکمه کنید. با لبخند گفتند

✓
ورود من در سال ۱۳۸۰ به مؤسسه با مشکلاتی مواجه شد. آن قدری که دکتر مسجد جامعی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی علاقه داشت من به این مؤسسه بیایم، اما بقیه مسئولان احتیاط می‌کردند و می‌گفتند محیط روزنامه ایران مناسب نیست و ایشان نمی‌تواند موفق شود